

بررسی تصویرپردازی در منظومه‌های عاشقانه ویس و رامین و گل و نوروژ با رویکرد تشبیه و استعاره در تطبیق با نسخه خسرو و شیرین

چکیده

یکی از انواع معروف تقسیم‌بندی ادبیات از نگاه ناقدان فرنگی که براساس احساس و عاطفه پایه‌ریزی شده «ادبیات غنایی» است. در این نوع ادبی شاعر برای بیان احساسات خود کلی‌ترین عنصر خیال یعنی استعاره را برمی‌گزیند و در بعضی از موضوعات شعری خود از تشبیه هم استفاده می‌کند. در این تحقیق سه منظومه عاشقانه مورد مطالعه قرار گرفت و سیر و تحول تصویر از قرن چهارم تا قرن هشتم بررسی شد. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. باتوجه به مطالعات انجام شده و بررسی موضوع و تصاویر داستان‌ها این نتیجه حاصل شده که هرکدام از شاعران به اقتضای جهان پیرامون خود به تصویرآفرینی پرداخته‌اند و در زمینه تصویرپردازی در دو منظومه ویس و رامین با ۴۰ درصد و گل و نوروژ با ۳۵ درصد عنصر طبیعت بیشترین قسمت شعر و در خسرو شیرین عناصر بزم با ۲۶ درصد بیشترین را قسمت از تصاویر شعری را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین هر سه شاعر در زمینه عناصر انتزاعی، کم‌ترین استفاده را (به ترتیب: ۳، ۵، ۷ درصد) داشته‌اند. در زمینه میزان استفاده از عناصر خیال نیز شاعر در ویس و رامین بیشتر از عنصر تشبیه و دو شاعر دیگر از استعاره استفاده کرده‌اند و شاید دلیل زیباتر شدن خسرو و شیرین و ویس و رامین نیز همین باشد.

اهداف پژوهش:

۱. تعیین میزان تصویرپردازی به کمک صورخیال در منظومه‌های عاشقانه ویس و رامین، گل و نوروژ و خسرو شیرین.
۲. بررسی تصاویر مشترک در سه منظومه ویس و رامین، خسرو و شیرین و گل و نوروژ براساس دو عنصر خیال یعنی تشبیه و استعاره بوده.

سؤالات پژوهش:

۱. میزان تصویرپردازی به کمک صورخیال در منظومه‌های عاشقانه ویس و رامین، گل و نوروژ و خسرو شیرین چقدر می‌باشد؟
۲. شباهت و تفاوت دو منظومه با خسرو و شیرین در چه چیزهایی می‌باشد؟

کلیدواژه‌ها: ادب غنایی، تصویر، خیال، استعاره، تشبیه.

مقدمه

ناقدان فرنگی آثار ادبی را دور از توجه به شکل ظاهری و فقط از دیدگاه عاطفی و معنوی و وجدانی به چهار نوع تقسیم کرده‌اند: حماسی، غنایی، نمایشی و شعر تعلیمی. این تقسیم‌بندی‌ها هر کدام دارای ویژگی‌های خاص خود هستند. یکی از انواع معروف ادبیات، «ادبیات غنایی» است. منظور از ادب غنایی اشعاری است که در آن شاعر احساسات شخصی خود را با زبانی آهنگین بیان می‌کند. در یونان باستان اشعار کوتاهی وجود داشت که همراه با سازی به نام «لیر» خوانده می‌شد. از این رو به اشعار غنایی، «لیریک» می‌گویند. شاید باتوجه به مشخصات به دست آمده از آن اشعار ابتدایی بتوان آن‌ها را گونه‌ای ترانه خواند (پارساپور، ۱۳۸۳: ۱۶). گیلبرت‌هایت معتقد است منشاء شعر غنایی، ترانه است؛ مهم نیست که مضمون آن غم‌انگیز یا شاد باشد. تنها باید ملحون باشد و موافق با موسیقی. او ثابت می‌کند که آواز و رقص با تمام انواع شعر غنایی درآمیخته است. به مرور زمان با رشد ادب غنایی این نوع شعر از موسیقی و رقص فاصله گرفت و قوی‌تر و پیچیده‌تر شد، به گونه‌ای که نغمه الفاظ و الگوهای آوایی درهم‌تنیده شده و آهنگ مکرر و اصوات صدادار و بی‌صدا جایگزین نغمات موسیقی شدند (هایت، ۱۳۹۴: ۳۵۲).

ادبیات غنایی در ادبیات ما بیشتر به شعر عاشقانه تعبیر می‌شود و بیشترین گمان بر این است که محتوای اکثر اشعار غنایی در مورد عشق است؛ درحالی که «در شعر فارسی، ادب غنایی به صورت داستان، مرثیه، مناجات، بٹ الشکوی و گلایه و تغزل در قوالب غزل، مثنوی، رباعی، دوبیتی و حتی قصیده مطرح می‌شود؛ اما مهم‌ترین قالب آن غزل است.» (شمیسا، ۱۳۹۳: ۱۲۸). اوج دوره اشعار غنایی در ادبیات ما در سبک عراقی مشاهده می‌شود اما اشعار عاشقانه و غنایی در ادب فارسی از اواسط قرن سوم هجری یعنی از نخستین روزگار پیدایش شعر دری آغاز شد و قدیمی‌ترین آن‌ها را در ادبیات بازمانده از حنظله باد غیسی می‌توان یافت. لیکن دوره کمال شعر غنایی در زبان فارسی از قرن چهارم آغاز شد.

در پایان قرن ششم هجری، نظم داستان‌ها به وسیله یکی از بزرگان شعر پارسی یعنی نظامی گنجوی، به حد اعلای خود می‌رسد. این داستان‌ها عبارت‌اند از: خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت‌پیکر که با داستان حماسی- تاریخی اسکندرنامه و منظومه تعلیمی - حکمی مخزن‌السرار، پنج‌گنج یا خمسه نظامی را به وجود آورده‌اند. نظامی نوع شعر داستانی و قصص را در زبان فارسی به حد اعلای خود می‌رساند و به همین سبب، در قرن‌های بعد مورد تقلید گروهی از شاعران قرار می‌گیرد. نخستین مقلد بزرگ نظامی، امیر خسرو دهلوی است که منظومه‌های شیرین و خسرو، لیلی و مجنون، هشت بهشت و آینه اسکندر او معروف است. پس از وی، خواجوی کرمانی صاحب کمال‌نامه، گل و نورو، گوهرنامه، همای و همایون و سلمان ساوجی صاحب فراق‌نامه، جمشید و خورشید و در قرن نهم کاتبی ترشیزی صاحب منظومه‌های حسن و عشق، ناظر و منظور، بهرام و گل اندام، از داستان‌سرایان قابل توجه هستند. مشهورترین داستان-سرایان ایران بعد از شاعران قرن‌های ششم و هفتم، بی‌تردید، نورالدین عبدالرحمان جامی است. مثنوی‌های سلمان و ابسال، یوسف و زلیخا و لیلی و مجنون او همگی منظومه‌های عاشقانه زیبایی در زبان فارسی هستند. این سه منظومه همراه با منظومه حماسی-تاریخی، خردنامه اسکندری و مثنوی حکمی و عرفانی سلسله‌الذهب، تحفه‌الابرار، مجموعاً هفت اورنگ او را به وجود می‌آورند.

ادب غنایی و منظومه‌هایی که در این حیطه قرار می‌گیرند آثار زیادی را شامل می‌شوند و باتوجه به گستردگی ادب غنایی مقاله‌های بسیاری کار شده است اما به این شیوه که سه اثر نام برده مورد تحلیل تصاویر از نظر تشبیه و استعاره قرار گرفته باشد، مقاله‌ای انجام نشده اما می‌توان به ذکر نمونه‌هایی از این مقاله‌ها اکتفا کرد: ساختار داستانی

منظومه‌های عاشقانه فارسی از حسن ذوالفقاری (۱۳۹۴) است. در این مقاله صرفاً به بررسی ساختاری منظومه‌های عاشقانه توجه شده و انواع آن مورد بررسی قرار گرفته و نگاه جزئی براساس تصاویر خیالی در آن نیست. پژوهش شاخص‌های محتوایی و صوری ادبیات غنایی از مشتاق مهر و سردار بافکر (۱۳۹۵) است. این مقاله شامل دو قسمت می‌باشد که قسمت محتوایی مقاله ارتباطی به موضوع اینجانب ندارد اما در قسمت شاخص‌های صوری و در قسمت عناصر خیال اشاره‌ای به تصاویر طبیعت در خسرو و شیرین شده اما از آنجایی که این مقاله به ادبیات تعلیمی هم توجه دارد لذا این مقایسه با اسکندرنامه نظامی صورت گرفته و گذرا از این قسمت رد شده‌است و اشاره‌ای به دو شاعر و یا دو اثر دیگر نیست. مقاله نقد تحلیلی – تطبیقی منظومه خسرو و شیرین و لیلی و مجنون نظامی از رضایی اردانی (۱۳۸۷) است. هدف این مقاله به تصویر کشیدن قدرت داستان‌سرایی نظامی در این دو منظومه است و نویسنده این مقاله سعی کرده محتوای داخلی داستان‌ها را مورد بررسی قرار دهد. با تمام این تفاسیر هیچ یک از مقاله‌های ذکرشده به بررسی تصاویر خیالی این سه منظومه با هم نپرداخته‌اند؛ لذا در مقاله سعی شده تصاویر شعری در این منظومه‌ها نشان داده شود. در این مقاله سعی شده که عناصر خیال (تشبیه و استعاره) در سه منظومه عاشقانه بررسی شده و سپس تصاویر مشترک در هر منظومه انتخاب و مورد تحلیل قرار بگیرد که حاصل کار چنین شده که در هشت موضوع تصاویر طبقه‌بندی شده و شاهد مثال‌هایی برای هرکدام ذکر شده و نوع نگاه هر شاعر در آن عنصر خاص کاویده شده است.

نتیجه‌گیری

تطبیق و مقایسه راه و روشی برای دستیابی به حقایق اصیل است. مقایسه تصاویر شعری، از مباحث اساسی در مطالعات ادبی است و سبک و ارزش هنری اثر را روشن می‌سازد و میزان قدرت و نوآوری و تأثیرپذیری از میراث گذشتگان را مشخص می‌کند. چنانچه بپذیریم که شعر، گره‌خوردگی اندیشه و عاطفه و خیال در زبانی آهنگین است و خیال عنصر اصلی شعر، در آن صورت به میزان اهمیت عنصر خیال در عرصه شاعری پی خواهیم برد. در این تحقیق از دو عنصر خیال (تشبیه و استعاره) استفاده شد که در مجموع هشت تصویر شعری از آن‌ها استخراج شد و مورد بررسی قرار گرفت. در این سه منظومه گاهی تصویرسازی با لفظ‌های مشبه و مستعار بود و گاهی با لفظ‌های مشبه‌به و مستعارله. باتوجه به بررسی این عناصر تصویری در هر سه منظومه: بیشترین میزان تصاویر در ویس و رامین، استفاده از طبیعت است و کم‌ترین تصاویر در عناصر انتزاعی یافت می‌شود. در خسرو و شیرین، عناصر بزم بیشترین و عناصر انتزاعی کم‌ترین تصاویر را به خود اختصاص داده‌اند. گل و نوروز نیز از نظر استفاده از تصاویر به مانند ویس و رامین، بیشترین تصاویر او مربوط به طبیعت و کم‌ترین تصاویر او مربوط به امور انتزاعی است و نکته آخر اینکه هر سه منظومه از نظر استفاده از کم‌ترین عنصر، در عناصر انتزاعی اشتراک دارند. ویس و رامین اولین منظومه عاشقانه بوده که بعد از او شاعران بسیاری به تقلید از آن منظومه‌های خود را سروده‌اند. یکی از این شاعران نظامی است که خسرو و شیرین را به تقلید از ویس و رامین سروده و بعد از او خواجه به تقلید از خسرو و شیرین، گل و نوروز را سروده؛ اما این سه منظومه فقط در محتوا و موضوع اشتراک دارند؛ اما سبک هر شاعر در سرودن این چند مثنوی مخصوص خود او بوده است.

فهرست منابع و مآخذ:

- اسعد گرگانی، فخرالدین. (۱۳۷۷). ویس و رامین، مقدمه و تصحیح دکتر محمد روشن، تهران: چاپخانه مهارت.
- پارساپور، زهرا. (۱۳۸۳). مقایسه زبان حماسی و غنایی، تهران: اشارات دانشگاه تهران.
- حاکمی والا، اسماعیل. (۱۳۸۶). تحقیق درباره ادبیات غنایی ایران و انواع شعر غنایی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خواجوی کرمانی، کمال الدین. (۱۳۷۰). گل و نرگس، به اهتمام و کوشش کمال عینی، چاپ دوم، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۹۴). یک صد منظومه عاشقانه فارسی، تهران: نشر چرخ.
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۹۴). «ساختار داستانی منظومه‌های عاشقانه فارسی»، مطالعات زبان و ادبیات غنایی، شماره ۱۷، ۷۳-۹۰.
- رضایی اردانی، فضیله. (۱۳۸۷). «نقد تحلیلی - تطبیقی منظومه خسرو و شیرین و لیلی و مجنون نظامی»، پژوهشنامه ادب غنایی، شماره ۱۱، ۸۷-۱۱۲.
- رزمجو، حسین. (۱۳۹۰). انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، چاپ سوم، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۵). ادوار شعر فارسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات سخن.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۹۳). انواع ادبی، چاپ سوم، تهران: نشر میترا.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۴). تاریخ ادبیات در ایران، جلد سوم، چاپ دوم، تهران: انتشارات فردوس.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۴). تاریخ ادبیات در ایران، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: انتشارات فردوس.
- طالبی، مرتضی. (۱۳۹۹). «تصویرسازی منظومه‌های غنایی در تطبیق با نگاره‌های خمسه شاه طهماسبی»، مطالعات هنر اسلامی، شماره ۳۹، ۲۴۴-۲۵۵.
- علوی مقدم، محمد و اشرف‌زاده، رضا. (۱۳۹۵). معانی و بیان، تهران: انتشارات سمت.
- فتوحی رود مجنون، محمود. (۱۳۹۵). بلاغت تصویر، تهران: انتشارات سخن.
- نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۸۵). کلیات نظامی گنجوی، جلد اول، مطابق با نسخه تصحیح شده وحید دستگردی، چاپ سوم، تهران: چاپ گیتی.
- ولک، رنه. (۱۳۹۴). تاریخ نقد جدید، جلد اول، ترجمه سعید ارباب شیرانی، تهران: انتشارات نیلوفر.
- هادی، روح‌الله و نصیری، زینب. (۱۳۹۲). «ساختار تشبیه در خسرو و شیرین و ویس و رامین»، فصلنامه ادب فارسی، شماره ۲، ۱۳۱-۱۱۵.
- هایت، گیلبرت. (۱۳۹۴). ادبیات و سنت‌های کلاسیک، ترجمه محمد کلباسی و مهین دانشور، چاپ دوم، تهران: انتشارات آگاه.